****

[تتمه بحث قبل: خروج روز سیزدهم از ایام النفر 1](#_Toc489874210)

[ادامه مساله 383: اجزاء یک ذبح از چند نفر 3](#_Toc489874211)

[کلام محقق خوئی 3](#_Toc489874212)

[بررسی روایات 3](#_Toc489874213)

[نقد کلام محقق خوئی 6](#_Toc489874214)

[نظر مختار: اجزاء عند الضرورة 6](#_Toc489874215)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه بحث قبل: خروج روز سیزدهم از ایام النفر

در روایت ابی بصیر در نقل بزنطی از عبد الکریم بن عمرو از ابی بصیر آمده: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ فَلَمْ يَجِدْ مَا يُهْدِي- حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّفْرِ وَجَدَ ثَمَنَ شَاةٍ- أَ يَذْبَحُ أَوْ يَصُومُ قَالَ بَلْ يَصُومُ- فَإِنَّ أَيَّامَ الذَّبْحِ قَدْ مَضَتْ.[[1]](#footnote-1)

اما در روایت عبیس آمده: الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عُبَيْسٍ عَنْ كَرَّامٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ وَ لَمْ يَجِدْ مَا يُهْدِي وَ لَمْ يَصُمِ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ حَتَّى إِذَا كَانَ بَعْدَ النَّفْرِ وَجَدَ ثَمَنَ شَاةٍ أَ يَذْبَحُ أَوْ يَصُومُ قَالَ لَا بَلْ يَصُومُ فَإِنَّ أَيَّامَ الذَّبْحِ قَدْ مَضَتْ.[[2]](#footnote-2)

مرحوم تبریزی توجه داشت که اگر روایت دوم سبب اجمال این جمله شود، نمی توان گفت از این روایت می فهمیم که روز سیزدهم از ایام ذبح خارج است، زیرا در روایت اول آمده فاذا کان یوم النفر و استظهار ایشان این است که یوم النفر، روز نفر مستحب است که همان روز سیزدهم باشد، اما اگر نقل مجمل شود و احتمال صحت نقل عبیس برود، بعد النفر، اطلاق دارد و ممکن است روز سیزدهم باشد، یا روز چهاردهم باشد، و این نقل به روایت الاضحی بمنی اربعة ایام، می تواند تقیید بخورد و روایت بعد النفر بر روز چهاردهم به بعد حمل شود.

لذا مرحوم تبریزی برای حل این مشکل فرموده ما قائل به تعدد روایت می شویم و برای ما سوال اول مهم است، دو روایت هم که با یکدیگر متعارض نیستند.

اما به نظر ما احتمال تعدد روایت از امام علیه السلام، احتمال ضعیفی است که وثوق نوعی بر خلاف آن است و با وثوق نوعی بر خلاف دیگر ارتکاز عقلاء، روایت را حجت نمی داند، تقریبا سوال و جواب در متن دو نقل، مثل هم است و دو راوی اخیر در هر نقل سوال نیز مشترک است.

البته اگر ما استظهار می کردیم که یوم النفر، روز سیزدهم است، از راه دیگری می شد مشکل را حل نمود، زیرا اشکالی ندارد که راوی یک خصوصیت را در یک نقل مطرح کند و خصوصیت دیگری را در نقل دیگری مطرح کند، در این روایت نیز شاید هم یوم النفر بوده و هم بعد النفر بوده است.

لکن اصل مطلب برای ما روشن نیست که ظهور یوم النفر در روز سیزدهم بوده است، گرچه اگر یوم النفر من منی باشد، قطعا روز سیزدهم مقصود است و نه روز دوازدهم، و گرنه لازمه اش این است که ایام ذبح دو روز باشد.

خلاصه این که دلالت روایت مذکور برای ما مجمل است.

## ادامه مساله 383: اجزاء یک ذبح از چند نفر

مرحوم شیخ مفید و طوسی و صدوق و صاحب مراسم و وسیله گفته اند: عند الضرورة می شود چند نفر یک گوسفند ذبح کنند به استناد برخی روایات،

### کلام محقق خوئی

محقق خوئی 3 روایت از این روایات را مطرح کرده و بین آن ها جمع کرده است، در حالی که 9 روایت وارد شده است.

عمده در مقام سه روایت است:

#### بررسی روایات

روایت اول: صحیحه حمران

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: عَزَّتِ الْبُدْنُ سَنَةً بِمِنًى حَتَّى بَلَغْتِ الْبَدَنَةُ مِائَةَ دِينَارٍ- فَسُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ ع عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ اشْتَرِكُوا فِيهَا- قَالَ قُلْتُ: كَمْ قَالَ مَا خَفَّ فَهُوَ أَفْضَلُ- قَالَ فَقُلْتُ عَنْ كَمْ تُجْزِئُ فَقَالَ عَنْ سَبْعِينَ.[[3]](#footnote-3)

ایشان فرموده یا این روایت منصرف به اضحیه مستحبه است و یا اگر مطلق است، بر اضحیه مستحبه حمل می شود، به دلیل صحیحه حلبی: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ النَّفَرِ تُجْزِيهِمُ الْبَقَرَةُ- قَالَ أَمَّا فِي الْهَدْيِ فَلَا وَ أَمَّا فِي الْأَضْحَى فَنَعَمْ.[[4]](#footnote-4)

 روایت دوم: صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع عَنْ قَوْمٍ غَلَتْ عَلَيْهِمُ الْأَضَاحِيُّ- وَ هُمْ مُتَمَتِّعُونَ وَ هُمْ مُتَرَافِقُونَ وَ لَيْسُوا بِأَهْلِ بَيْتٍ وَاحِدٍ- وَ قَدِ اجْتَمَعُوا فِي مَسِيرِهِمْ وَ مِضْرَبُهُمْ وَاحِدٌ- أَ لَهُمْ أَنْ يَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالَ لَا أُحِبُّ ذَلِكَ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ.[[5]](#footnote-5)

ایشان فرموده این روایت فرموده لااحب ذلک و معنایش جواز این کار نیست، بله، لااحب ظهور در تحریم ندارد، اما ظهور در جواز هم ندارد.

(از همین جا معلوم می شود که محقق خوئی اصل نزاع را مطرح نکرده، چون نزاع در فرض ضرورت است، این که لااحب دلیل بر جواز نیست، ربطی به استثناء من ضرورة ندارد که دلیل بر جواز است، البته به نظر ما اگر خدای متعال لا احب بفرماید که مبدا حکم است، با عدم جواز هم می سازد، اما نقش امام علیه السلام در عرف متشرعی، بیان حکم الله است، و لا احب ظهور در عدم جواز پیدا نمی کند، زیرا برای بیان حرمت کم است، البته در این روایت بعید نیست حق با محقق خوئی باشد، چون ممکن است بگوییم مصب کلام، بیان حکم مستثنی است، و لذا این احتمال می رود که لا احب در این جا ظهور در جواز در حال اختیار نداشته باشد.)

روایت سوم: صحیحه معاویة بن عمار

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ النَّخَعِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تُجْزِئُ الْبَقَرَةُ عَنْ خَمْسَةٍ بِمِنًى إِذَا كَانُوا أَهْلَ خِوَانٍ وَاحِدٍ.[[6]](#footnote-6)

محقق خوئی فرموده این احتمال در روایت قوی است که اخص مطلق از روایاتی که می گوید هر قربانی از یک نفر مجزی است، باشد و لکن؛

اولا: گرچه ابو الحسین النخعی در این جا نگفته اضحیه مستحبه و مطلق گفته، اما روایت دیگری را از حلبی نقل می کند که در آن قرینه وجود دارد بر این که مقصود، اضحیه مستحبه است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ النَّخَعِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تُجْزِئُ الْبَقَرَةُ أَوِ الْبَدَنَةُ فِي الْأَمْصَارِ عَنْ سَبْعَةٍ- وَ لَا تُجْزِئُ بِمِنًى إِلَّا عَنْ وَاحِدٍ.[[7]](#footnote-7)

ظاهر این تفصیل این است که مورد آن، مورد اضحیه مستحبه است، و گرنه اضحیه واجبه که در غیر منی ذبح نمی شود که حضرت حکم آن را بیان کند و وقتی مورد آن اضحیه مستحبه شد، تفصیل نیز در مورد اضحیه مستحبه خواهد بود.

ثانیا: سلمنا که صحیحه معاویة بن عمار اعم از اضحیه واجبه و مستحبه است، و لکن نسبتش با صحیحه حلبی که می گوید در هدی واجب، ذبح جز از یک نفر مجزی نیست، عموم من وجه می شود، چون مورد صحیحه معاویة بن عمار که متمتع نیست، و لذا اعم از اضحیه واجب و مستحب است و لکن حکم به اجزاء در آن مختص به جایی است که اهل خوان و سفره واحد باشند، اما حکم به عدم اجزاء در صحیحه حلبی به هدی واجب مختص است، اما اعم است از این که اهل خوان و سفره واحد باشند یا نه، لذا در هدی واحد که اهل خوان واحد هستند، با یکدیگر تعارض می کنند و بعد از تساقط، به عموماتی رجوع می­کنیم که مقتضی وجوب هدی مستقل بر هر مکلف است، و اگر نتوانست، روزه می گیرد.

#### نقد کلام محقق خوئی

محل نزاع، صورت ضرورت است و هیچ روایتی در حال ضرورت نفی اجزاء ذبح بقرة واحدة عن جماعة نکرده است، لذا نمی شود صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج در خصوص حج تمتع را طرح کنیم، البته ما گرچه در فرض ضرورت قائل به اجزاء هستیم، اما تعین ندارد و می توانند بجای آن روزه بگیرند.

صحیحه معاویة بن عمار نیز که حمل آن بر اضحیه مستحبه عرفی نیست و قدر متیقن از آن، هدی واجب است و لکن به جهت صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج، به حال ضرورت قید می خورد.

### نظر مختار: اجزاء عند الضرورة

فالاظهر، اجزاء ذبح بقرة واحدة عن جماعة فی حال الضرورة.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 177؛ 44 باب أن من عدم الهدي و وجد الثمن وجب أن يخلفه عند ثقة يشتريه و يذبحه في ذي الحجة و إلا فمن قابل فيه و من وجد الثمن بعد أيام الذبح صام ؛ ج 14، ص : 176](http://lib.eshia.ir/11025/14/177) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 483؛ 26 باب من الزيادات في فقه الحج ؛ ج 5، ص : 387](http://lib.eshia.ir/10083/5/483) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 120؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/120) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 117؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/117) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 119؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/119) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 118؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/118) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 118؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/118) [↑](#footnote-ref-7)